سخن سرآمدان زهر باید خورد و...

رابعه بنت کعب قزداری بلخی

اشاره:

رابعهء بنت کعب قزداری بلخی،از شاعران بلند آوازهء پارسی‏گو است و در لطافت طبع و شیرینی گفتار و استعارات دلپذیر از سرآمدان سخن.وی در نظم تازی و شعر پارسی استاد بوده است. برخی او را در شمار زنان زاهد و صوفی آورده‏اند.1به اقرب احتمال‏ وی از سخن‏سرایان مشهور قرن چهارم ه.ق است.2

وصف بهار

ز بس گل که در باغ مأوی گرفت‏ چمن رنگ ارتنگ مانی گرفت‏ مگر چشم مجنون به ابر اندر است‏ که گل رنگ رخسار لیلی گرفت‏ همی ماند اندر عقیقین قدح‏ سرشکی که در لاله مأوی گرفت‏ سر نرگس تازه از زر وسیم‏ نشان سر تاج کِسری گرفت‏ چو رهبان شد اندر لباس کبود بنفشه مگر دین ترسی‏4گرفت

زهر باید خورد و...

عشق او باز اندر آوردم به بند کوشش بسیار نامد سودمند توسنی کردم،ندانستم همی‏ کز کشیدن سخت‏تر گردد کمند عشق،دریایی کرانه ناپدید کی توان کردن شنا،ای هوشمند! عاشقی خواهی که تا پایان بری، بس بباید ساخت با هر ناپسند زشت باید دید و انگارید خوب‏ زهر باید خورد و پندارید قند8

وصف باد

فشاند از سوسن و گل،سیم و زر باد زهی بادی که رحمت باد بر باد بداد از نقش آذر صد نشان آب‏ نمود از سحر مانی صد اثر باد مثال چشم آدم شد مگر ابر دلیل لطف عیسی شد مگر باد که در بارید هر دم در چمن ابر که جان افزود خوش خوش در شجر باد اگر دیوانه ابر آمد چرا بس‏ کند عرضه صبوحی جام زر باد گل خوشبوی ترسم اورد رنگ‏ از این غمّار صبح و پرده در باد برای چشم هر نااهل گویی‏ عروس باغ را شد جلوه‏گر باد عجب چون صبح خوشتر می‏برد خواب‏ چرا افکند گل را در سهر3باد

شیدایی

مرا به عشق همی محتمل‏5کنی به حیل‏ چه حجت آری پیش خدای عزّ و جلّ‏ به عشقت اندر عاصی همی نیارم‏6شد به دینم اندر طاغی همی شوم به مَثَل‏ نعیم بی تو نخواهم،حجیم با تو رو است‏ که بی تو شکّر زهرست و با تو زهر،عسل‏ به روی نیکو تکیه مکن که تا یک چند به سنبل اندر پنهان کنند نجمِ زحل‏ هر آینه نه دروغ است آنچه گفت حکیم‏

فَمَن تَکَبّر یَوَماً فَبَعدَ عِزّ ذَلّ‏7

محال

کاشک تنم باز یافتی خبر دل‏ کاشک دلم باز یافتنی خبر تن‏ کاشک من از تو برستمی به سلامت‏ آی فسوسا کجا توانم رستن

دعا

دعوت من بر تو آن شد کایزدت عاشق کناد بر یکی سنگین دل نامهربان چون خویشتن‏ تا بدانی درد عشق و داغ مهر و غم‏خوری‏ تا به هجر اندر بپیچی و بدانی قدر من

پانوشتها

(1)-جامی او را در شمار زنان زاهد و صوفی یاد می‏کند و از قول ابو سعید ابو الخیر عارف بزرگ قرن چهارم می‏گوید:«دختر کعب عاشق بود اما عشق او از قبیل عشقهای مجازی نبود»آنچه از ابو سعید باقی مانده چنین ادعایی را اثبات‏ نمی‏کند الاّ این که بو سعید در داستانی مضبوط در اسرار التوحید هنگام برگشتن از دفن فرزند خود دو بیت از اشعار منتسب به رابعه را زمزمه می‏کند که در انتساب آن‏ به رابعه نیز تردید است.با توجه به این‏که دیگران نیز-فی المثل عطار در تذکرة الاولیاء-ادعای جامی را تأیید نمی‏کنند،می‏توان گفت رابعهء صوفی زاهد، رابعهء عدویه بوده است بااین‏حال نمی‏توان انکار کرد که اشعار رابعه بنت کعب‏ صیغهء زهد و تصوف دارد.

(2)-اگر دو بیت مضبوط در اسرار التوحید که بو سعید آن را خوانده است،در واقع از رابعه باشد؛او از شعرای قرن چهارم ه.ق است زیرا که اشعار او در زمان‏ بو سعید شهرت داشت.

(3)-بیداری

(4)-ترسی:ترسا،مسیحی

(5)-محتمل:گرفتار

(6)-نیارم:نتوانم

(7)-همانا آن کس که روزی غرور و خودخواهی ورزد،پس از بزرگی به خواری و زبونی در افتد.

(8)-ترتیب ابیات این غزل،معروف براساس روایت تذکره‏ها آمده و با آنچه در تاریخ ادبیات دکتر صفا ضبط شده است تفاوت دارد.